

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه سوم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنی تر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

تحلیل یک داستان (بر اساس شخصیت‌ها)

در این درس قصد داریم به نوعی درس‌های این پایه را با بچه‌ها مرور کنیم. شخصیت‌ها، کوه داستان سه مرحله‌ای و احساسات را در قالب تحلیل قصه بار دیگر بازخوانی کنیم.

قصه‌ای انتخاب کنید و برای دانش آموزان تان بخوانید. برای این کار می‌توانید از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان استفاده کنید. هم‌چنین می‌توانید از قصه‌ی زیر استفاده کنید:

«کنار یک دریای دور، مرغ ماهی خواری زندگی می‌کرد. او دیگر پیر شده بود و نمی‌توانست مانند قبل شکار کند. ماهی‌های کوچک و بزرگ از کنارش عبور می‌کردند و به او می‌خندیدند. وقتی آن‌ها مرغ ماهی خوار را مسخره می‌کردند خجالت می‌کشید. کار او این شده بود که کنار یک تخته سنگ بنشیند و با حسرت به ماهی‌ها نگاه کند. تا این که یک ماهی جوان و شاداب به او نزدیک شد. او با دیدن مرغ ماهی خوار خندید و با تمسخر گفت: چه چیزایی می‌بینم ... مگه میشه؟ .. چی به سر تو اومده مرغ ماهی خوار؟ مرغ ماهی خوار گفت: گوش بده تا برات بگم ... بعد آهی کشید و گفت: همه چیز از وقتی شروع شد که تصمیم جدیدم رو گرفتم. ماهی پرسید: چه تصمیمی؟ مرغ ماهی خوار گفت: از وقتی که تصمیم گرفتم به جای ماهی علف بخورم. ماهی تعجب کرد. گفت: مگه میشه به جای ماهی علف بخوری؟ مرغ ماهی خوار گفت: آره .. حالا که شده ... من از ماهی خوار بودنم پشیمون شدم. ماهی گفت: می‌خواهی برم به همه ماهی‌ها بگم که دیگه از تو نترسن؟ مرغ ماهی خوار گفت: فایده نداره. باور نمی‌کنن. ماهی گفت: خب باید چیکار کنیم که باور کنن؟ مرغ ماهی خوار یک تکه علف برداشت و گفت: راهش اینه که من یه طرف این علف رو با منقارم بگیرم. یه طرف دیگه رو هم تو بگیر. این جور همه باور می‌کنن. آن‌ها همین کار را کردند. ماهی یک طرف علف را گرفت و مرغ ماهی خوار او را کشید به سمت خشکی. در یک چشم به هم زدن ماهی از آب به خشکی افتاد. مرغ ماهی خوار هیجان زده شد و با خوشحالی به او نزدیک شد و گفت: تا وقتی ماهی‌های نادان و زودباوری تو این دریا باشن، من هیچ وقت گرسنه نمی‌مونم!»

از دانش آموزان بخواهید درمورد قصه‌ی امروز گفت‌وگو کنند و نظرات‌شان را بگویند.

تمرین:

۱/ به بچه‌ها بگویید لیست شخصیت‌های این قصه را بنویسند و هرکدام را در سه جمله تعریف کنند.

۲/ از بچه‌ها بخواهید به این سوالات درمورد شخصیت اصلی (ماهی‌خوار) پاسخ بدهند:

- کجای داستان خوشحال شد؟
- کجای داستان ناراحت شد؟
- کجای داستان هیجان زده شد؟
- کجای داستان خجالت زده شد؟

می‌توانید همین سوال‌ها را درباره‌ی شخصیت مقابل (ماهی) نیز بپرسید.

۳/ از بچه‌ها بخواهید شخصیت‌های دیگری به جای این شخصیت‌ها قرار بدهند. حالا نگاه دوباره‌ای به قصه بیاندازند و ببینند که قصه خراب می‌شود یا نه؟! کدام شخصیت‌ها امکان تغییر دارند و کدام ندارند؟

تحلیل یک داستان (بر اساس کوه داستانی)

در این درس، محوریت تحلیل داستان کوه داستانی سه مرحله‌ای است. از بچه‌ها بخواهید قصه‌ی این درس را با محوریت شروع، میانه و پایان تحلیل کنند.

«در جنگلی سبز و زیبا، مدرسه‌ای بود که حیوانات جنگل آن‌جا درس می‌خواندند. همه‌ی آن‌ها مدرسه را دوست داشتند و هر روز با خوشحالی به مدرسه می‌رفتند، به جز بچه زرافه! او در مدرسه ناراحت بود. زیرا به خاطر گردن درازش نمی‌توانست با بچه‌ها بازی کند. مثلاً در بازی قایم باشک نمی‌توانست جایی برای پنهان شدن پیدا کند و این باعث خنده‌ی همه می‌شد. از نگاه بقیه، گردن دراز او به هیچ دردی نمی‌خورد و او با این گردن در هیچ بازی‌ای نمی‌توانست با بقیه همراه شود. بچه زرافه دوست داشت در آینده معلم شود. اما بقیه‌ی دوستانش به او می‌گفتند که او هیچ وقت نمی‌تواند معلم شود. زیرا گردن درازش از تخته و بقیه‌ی بچه‌ها بلندتر است و همه باید برای دیدنش سرشان را بالا بگیرند و گردن درد می‌گیرند. بچه زرافه با این که از این حرف‌ها ناراحت می‌شد، امیدش را از دست نمی‌داد و همیشه خوب درس می‌خواند، تا شاید به آرزویش برسد. یک روز که همه در حیاط مدرسه بازی می‌کردند و بچه زرافه گوشه‌ای نشسته بود و بازی بچه‌ها را تماشا می‌کرد، صدای مدیر مدرسه به گوشش خورد و از حرف‌های او تعجب کرد. آقای شیر داشت با ناراحتی درباره‌ی مشکلی با دیگران حرف می‌زد. او می‌خواست راهی پیدا کند که بچه خرس‌ها به مدرسه بیایند. زیرا پل روی برکه ریزش کرده و خرس‌ها راهی برای آمدن از تپه به جنگل نداشتند. آقای شیر گفت: ای کاش می‌تونستیم راهی پیدا کنیم تا بچه خرس‌ها رو هم به مدرسه بیاریم. خانم ببر گفت: ولی هیچ راهی وجود نداره چون بین تپه‌ای که اونا روش زندگی می‌کنن و مدرسه یه برکه‌ی عمیق هست. بچه زرافه وقتی این حرف‌ها را شنید فکری به سرش زد. پیش آقای شیر رفت و گفت: من می‌تونم به بچه خرسا همه درس‌ها رو یاد بدم. آقای شیر قبول کرد و زرافه کوچولو خیلی هیجان زده شد. صبح روز بعد قبل از رفتن به مدرسه، زرافه به سمت تپه رفت و دید سه بچه خرس از آن‌جا با غصه به مدرسه نگاه می‌کنند. بچه زرافه که گردنش به بالای تپه می‌رسید، هرچیزی را که از معلم یاد گرفته بود به آن‌ها یاد داد. خرس‌ها خوشحال شدند و هرروز به بالای تپه می‌آمدند. آقای شیر که تلاش‌های بچه زرافه را دید، او را به عنوان معلم بچه خرس‌ها به بقیه‌ی دانش آموزان معرفی کرد و همه او را تشویق کردند. آن‌ها دیگر بچه زرافه را دست کم نمی‌گرفتند و دیگر کسی گردن درازش را مسخره نکرد.»

از بچه‌ها بخواهید در مورد داستان فوق گفت‌وگو کنند.

تمرین:

۱/ از بچه‌ها بخواهید شروع، میانه و پایان را در قصه مشخص کنند.

۲/ به دانش آموزان بگویید می‌توانند پایان دیگری برای این قصه پیشنهاد بدهند؟ (پایان های شاد / غمگین / خنده دار / تعجب برانگیز)

۳/ فرض کنید زرافه در این قصه، چنین مشکلی نداشت و کسی بابت گردن درازش او را مسخره نمی‌کرد. به نظرتان چه اتفاقی برای او می‌افتاد و داستان چگونه پیش می‌رفت؟